



جایگاه حق بر سلامت جنسی در حقوق کیفری بین‌الملل (با نگرشی بر پرونده الحسن در ICC)

سید حسین حسینی

دانشیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
shosseini@um.ac.ir

امین حاجی‌وند

دانشجوی دکتری تخصصی، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)
Am.hajivand@um.ac.ir

امین‌علی‌زاده

دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
amin.alizadeh@srbiau.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: یکی از ابعاد مهم سلامت، بعد سلامت جنسی است و این موضوع در پژوهش‌های مختلف روان‌شناختی مورد توجه جدی قرار گرفته است. در معرض مخاطره قرار دادن سلامت جنسی می‌تواند به عنوان جنایت بین‌المللی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

روش تحقیق: این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی سلامت جنسی را در سنجه اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری مورد کنکاش قرار داده است.

یافته‌ها: نقض سلامت جنسی به مناسبت می‌تواند در قالب جنایت علیه بشریت یا جنایت جنگی مطرح گردد.

نتیجه: پرونده در حال بررسی «الحسن» به عنوان اتهام ارتکاب دو جرم مذکور از سوی دادگاه بین‌المللی کیفری نمود عینی رسیدگی به این جرم شنیع بین‌المللی است. این نخستین بار است که یک جرم مبتنی بر جنسیت در شمار اتهامات متهمین دیوان قرار گرفته است. کارکرد بیانی دیوان نشانگر این موضوع است که در کشورهای اسلامی، عدم مشارکت فعال زنان در جامعه موجبات سوءاستفاده آنها را از لحاظ جنسی فراهم می‌کند. این موضوع و موضوعات دیگر مطرح شده در پرونده الحسن هشدار جدی به کشورهای اسلامی است که باید با تغییر در قوانین و رویه‌های جامعه خود تضمین‌گر سلامت جنسی زنان باشند. پژوهش حاضر به بررسی تفصیلی سلامت جنسی از لحاظ حقوق بین‌الملل کیفری با تأکید بر پرونده الحسن خواهد پرداخت.

کلید واژه‌ها: سلامت جنسی، حقوق بین‌الملل کیفری، دادگاه بین‌المللی کیفری، جنایات بین‌المللی، پرونده «الحسن»



مقدمه

حق بر سلامت یکی از حقوق ذاتی بشر است. سلامتی از نظر سازمان بهداشت جهانی از یک حالت آسودگی کامل جسمی، روانی و اجتماعی است و تنها به نبود بیماری یا ناتوانی اطلاق نمی‌شود. همچنین براساس اساسنامه‌ی سازمان جهانی بهداشت بهره‌مندی از بالاترین استانداردهای قابل دسترسی سلامت یکی از اساسی‌ترین حقوق هرانسان بدون در نظر گرفتن نژاد مذهب اعتقادات سیاسی شرایط اقتصادی یا موقعیت اجتماعی است (آزاد ارمکی و عباسی، ۱۴۰۰: ۲) حق بر سلامت به منزله یکی از رکن‌های اساسی بشری در اسناد بین‌المللی جایگاهی ویژه‌ای دارد و از جمله اصول پذیرفته شده است.

بنابراین حق بر سلامت یکی از حقوق بنیادین انسانها است که تامین و حفظ آن از اهمیت بسزایی برخوردار است. به همین دلیل حق بر سلامت در اسناد متعدد بین‌المللی و نیز قوانین داخلی مورد تاکید قرار گرفته است. سلامت مفهومی بسیار وسیع است، به گونه‌ای که سازمان جهانی بهداشت، معنای سلامتی را صرف فقدان بیماری در نظر نمی‌گیرد بلکه موارد متعددی وجود دارد که می‌تواند در این قلمرو جای گیرد.^۱ در واقع، سازمان جهانی بهداشت به کمک کمیساریای عالی حقوق بشر، حق بر سلامت مندرج در اعلامیه حقوق بشر و میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی را تفسیر کرده و قلمرو آن را فراتر از یک بیماری ظاهری قلمداد نموده است.^۲ یکی از این موارد، بزه‌دیدگی جنسی است که سلامت جنسی فرد را با مخاطره جدی مواجه می‌سازد. لازم به ذکر است که نقض حق بر سلامت جنسی می‌تواند به عنوان یک جنایت بین‌المللی نیز مطرح گردد. جنایات بین‌المللی جنایاتی هستند که نقض ارزشهای مشترک جهانی و تهدیدی برای صلح و امنیت جهان هستند. کاستی‌های جامعه بین‌المللی که به دنبال نقض گسترده و آشکار حقوق بشر به وجود می‌آید، ضرورت پاسخ به موقع و مناسب به این جنایات را نشان می‌دهد. (فخر و صادقی، ۱۴۰۰: ۴۸) با عنایت به مطالب بیان شده، پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به پرسش‌های ذیل که اهداف تحقیق هستند، پاسخ خواهد داد:

- نقض سلامت جنسی در اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری تحت چه عنوان یا عناوین جنایات بین‌المللی قابل طرح است؟
- پرونده الحسن چه ابعدی از نقض سلامت جنسی را مورد بررسی قرار داده است؟

۱- مفهوم‌شناسی

در این فصل به بررسی و تحلیل مفاهیم پژوهش پرداخته می‌شود.

۱-۱. حق بر سلامت

حق بر سلامت ابتدا در بند الف ماده ۵۵ منشور ملل متحد، که در واقع اساسنامه و سند تشکیل سازمان ملل متحد است، مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار گرفت. این بند مقرر داشته:

«با توجه به ضرورت ایجاد شرایط ثبات و رفاه برای تامین روابط مسالمت‌آمیز و دوستانه بین‌الملل بر اساس احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل، سازمان ملل متحد امور زیر را تشویق خواهد کرد:

- الف- بالا بردن سطح زندگی، فراهم ساختن کار برای حصول شرایط ترقی و توسعه در نظام اقتصادی و اجتماعی؛
- ب- حل مسائل بین‌الملل اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و مسائل مربوط به آن‌ها و همکاری بین‌المللی فرهنگی و آموزش؛ و

¹ See: Hellsen K. The right to health, The Essentials of Human Rights, in: The Essentials of Human Rights, Rhona K. M. Smith and Christein Van den Anker (eds), 2005.

² See: WHO, Human Rights and Health, 20 December 2017: <http://www.who.int/news-room/factsheets/detail/human-rights-and-health>



ج- احترام جهانی و مؤثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس و زبان یا مذهب» چنان که ملاحظه می‌شود، کشورهای عضو این سازمان ابتدا در بند الف تشویق به ارتقای سطح زندگی انسان‌ها شده‌اند و در همین راستا، در بند ب، تاکید به یافتن راه‌حل‌های مسائل بین‌المللی راجع به سلامت می‌نماید.

بند ۱ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ چنین بیان می‌کند: «همه افراد بشر از حق استاندارد حمایت مناسب برای بهداشت و رفاه خود و خانواده‌شان از جمله غذا، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری و حق تأمین در مواقع بیکاری، بیماری، معلولیت، کهنسالی یا دیگر نیازهای زندگی در شرایط حاد بهره‌مند می‌باشند.»

مقدمه اساسنامه سازمان بهداشت جهانی، از جهت بحث ما به طور خاص به این دلیل حائز اهمیت است که صراحتاً حق بر سلامت را به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر بیان می‌کند:

«بهره‌مندی از بالاترین استاندارد قابل حصول سلامت، یکی از حقوق بنیادین هر انسان است.» و «سلامت ملت‌ها برای دستیابی به صلح و امنیت، جنبه بنیادین دارد.» در نظام حقوقی ایران هم حق بر سلامت پیش بینی شده است مثل اصل ۲۹ قانون اساسی که حق بر خدمات بهداشتی و درمانی را بر تمامی افراد به رسمیت می‌شناسد و یا مثل اصل ۲۰ قانون اساسی که حقوق زن و مرد را با رعایت موازین اسلامی برابر می‌داند و یا در خصوص اصل ۲۳ و ۲۴ بر حق و سلامت اندیشه اشاره می‌کند.

آقای «پل هانت»^۱ گزارش‌گر اسبق موضوع حق بر عالی‌ترین استاندارد سلامتی، در گزارش خود به شورای حقوق بشر اظهار داشته که «در مرکز ثقل حق بر سلامتی، سیستم بهداشت ۲ مؤثر و یک‌پارچه نهفته است که متضمن مراقبت‌های بهداشتی و عناصر اصلی سلامتی است. بدون وجود چنین سیستمی، عالی‌ترین استاندارد قابل حصول سلامتی محقق نخواهد شد (Hunt, 2008, para:15).

آنچه که تعیین محتوای حق بر بهداشت و سلامتی را دشوار می‌سازد، ارتباطی است که این حق با سایر مصادیق حقوق بشری دارد. در واقع «اکثر مصادیق حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی در جهت تأمین و تضمین شرایطی که افراد بتوانند از سلامتی برخوردار باشند، نقشی اساسی و بنیادین ایفا می‌کنند» (Fidler, opcit:181) از این رو «حق بر سلامتی» موضوعی جدا از سایر مصادیق حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی نیست و نمی‌تواند بدون توجه به سایر مصادیق حقوق بشر در کل مورد توجه قرار گیرد. به عبارتی ساده‌تر، «حق بر سلامتی» معنای واقعی خود را در تعامل با دیگر حقوق بنیادین به دست می‌آورد. (Molinari, ۱۹۹۸:۴۹) برای ورود به بحث باید گفت که به طور کلی در زمینه حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی دو اصل وجود دارد که بر کلیت میثاق حاکم می‌باشند: اصل منع تبعیض و اصل حصول تدریجی. اصل منع تبعیض متضمن تعهدی مطلق است و جزو حداقل‌های بنیادینی به شمار می‌رود که هر دولتی موظف است که رعایت آن را در بهره‌مندی از «حق بر سلامتی» و امکانات و خدمات بهداشتی تضمین کند. بند ۲ ماده ۲ میثاق در این باره بیان داشته که:

«دولت‌های عضو باید تضمین کنند که حقوق مندرج در این میثاق بدون تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، ملیت و ... اجرا خواهند شد.»

1. Paul Hunt.

گزارش‌گر ویژه‌ی حق بر سلامتی شش عنصر اساسی (Building Blocks) را شناسایی می‌کند که در کنار هم یک سیستم بهداشتی را پایه‌ریزی می‌کنند: ۱- خدمات بهداشتی ۲- نیروی کار ۳- سیستم اطلاعات بهداشت و درمان ۴- محصولات دارویی ۵- تأمین مالی بخش بهداشت و ۶- مدیریت، راهبری و نظارت:

Paul Hunt, Report of the Special Rapporteur on the Highest Attainable Standard of Health, Human Rights Council, Res.7/11, 31January 2008, para.68.



این اصول ماهیتاً اصولی عام بوده و به تمام موارد حقوق اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی حاکم هستند. تعهد کلی اینست که هر اقدامی که دولت‌ها در ارتباط با میثاق، متعهد به اجرای آن هستند، از یک سو باید در پرتو رعایت اصل برابری و عدم تبعیض باشد و از سوی نیز منتج به نتیجه شدن این اقدامات در اصل طی فرآیند تدریجی‌الوصول به دست خواهد آمد. از منظر این دو اصل و از رهگذر تحلیل نوع و کیفیت اقدامات انجام شده بر اساس امکانات اقتصادی و فنی موجود در هر کشور و انعکاس آن در سطوح متفاوت تحقق حق بر سلامتی در کشورهای مختلف، می‌توان به یک سطح حداقلی و حداکثری از محتوای حق بر سلامتی دست یافت.

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، «حق بر سلامتی» در کنار تحقق تدریجی آن، دارای یکسری حداقل‌ها هم هست که واجد اثر فوری هستند. برخورداری از این حداقل‌های رفاهی- بهداشتی گویای رهیافت حداقلی بر محتوای حق بر سلامتی است. بنابراین، تعهد دولت‌ها نسبت به تحقق این حداقل‌های رفاهی، تعهد به نتیجه‌ی فوری است. بهره‌مندی از این محتوای حداقلی در سلامتی، از ضروریات کرامت ذاتی انسان قلمداد می‌شود. در این چارچوب، «حق بر سلامتی» به نبود بیماری و برخورداری از وضعیت مطلوب جسمی و روانی تعبیر می‌شود. در واقع رهیافت حداقلی هسته‌ی اصلی حق بر سلامتی را تشکیل می‌دهد.

در طرف مقابل، مطابق با رهیافت حداکثری، هر دولتی متعهد است که شرایط لازم برای بهره‌مندی شهروندان خود را از سلامتی، در چارچوب منابع موجود و تا حد ممکن تأمین و تضمین کند. (Ibid) این رهیافت مبین اصلی است که به موجب آن، «حق بر سلامتی» ماهیتاً به موازات رشد اقتصادی، رشد می‌کند و از این رو به تناسب رشد اقتصادی و افزایش توانمندی‌های دولت، امکان نیل به عالی‌ترین سطح قابل حصول سلامتی فراهم خواهد آمد. در واقع در رهیافت حداکثری، «حق بر سلامتی» چیزی بیش از صرف نبود بیماری است؛ در تعیین محتوای حق بر سلامتی بر اساس رهیافت حداکثری، «بنیادهای تعیین‌کننده» هم‌چون برخورداری از غذای کافی، آب آشامیدنی سالم، محیط زیست پاک، دسترسی به داروهای اساسی، مسکن، آموزش و... نقشی انکارناپذیر دارند، چرا که میزان تحقق هر کدام از این عناصر، تأثیری مستقیم در تحقق عالی‌ترین استاندارد قابل حصول سلامتی دارد. از طرفی نیز تحقق حداکثری حق بر سلامتی، نشان دهنده درجه‌ی رشد و توسعه‌یافتگی کشور ذیربط است. (جاوید و نیاورانی، ۱۳۹۲)

۲-۱. سلامت جنسی و بزه دیده آن

سلامت جنسی بخش مهمی از سلامت جسمی و روحی-روانی انسان می‌باشد. معنی سلامت جنسی بعد از تعریف سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۷۵ دستخوش تغییرات بوده و بسیار پیشرفته کرده است. بعد از اولین تعریف، در سال ۱۹۹۱ سازمان بهداشت پن آمریکا، سلامت جنسی را اینگونه تعریف کرد که: سلامت جنسی تجربه فرآیند مداوم بهزیستی جسمی، روانی و اجتماعی-فرهنگی مرتبط با تمایلات جنسی است. برای دستیابی به سلامت جنسی و حفظ آن لازم است که حقوق جنسی همه افراد به رسمیت شناخته و رعایت شود^۱.

در تعریف سازمان بهداشت پن آمریکا، علاوه بر تأکید بر بهزیستی جسمی و روحی با تمایلات جنسی شخصی فرد، به نسل اول حقوق بشری هم اشاره می‌کند و حق بر سلامت جنسی افراد را هم به رسمیت می‌شناسد و بهزیستی را از تعریف صرف عدم بیماری و ناتوانی، خارج می‌کند. در سال ۲۰۰۲ با همین رویکرد، سازمان بهداشت جهانی تعریفی ارائه می‌دهد که در آن بر شرط لذت بخش بودن و ایمن بودن رابطه جنسی برای شمول سلامت جنسی اشاره می‌کند. طبق این تعریف: سلامت جنسی حالتی از رفاه جسمانی، هیجانی، روانی و اجتماعی است که با تمایلات جنسی مرتبط است، این فقط نبود بیماری یا اختلال عملکردی یا ناتوانی نیست.^۲

¹ <https://www.paho.org/en>

² <https://www.health.state.mn.us/people/sexualhealth/definitions.html>



بزه دیده جنسی به قربانی اطلاق پیدا می کند که از جرم جنسی متضرر بشود. جرم جنسی هم به هرگونه عملی اطلاق می گردد که ارتباط مستقیم با امور جنسی داشته و در جهت ارضای غریزه جنسی ارتکاب یافته و در قانون نیز قابل مجازات باشد. لذا سیطره جرایم جنسی از کوچک ترین اعمال مثل چشم چرانی، عریان نمایی و لمس گرفته تا تجاوز به عنف را شامل می گردد (رایجیان اصلی، ۱۴۰۰، ۹۳) البته آنکه بزه دیده را صرف قربانی مستقیم جرم بدانیم، کامل و درست نیست، چرا که قربانیان انحرافات جنسی را هم می توان بزه دیده جنسی دانست. بر بزه دیدگان جنسی آثار زیان باری مترتب است که می توان به آثار جسمی، آثار روانی و آثار اقتصادی اشاره کرد که برای جبران خسارات و اثرات بزه جنسی مثل تجاوز باید کارشناسان دادگستری و بیمه، قضات و پزشکان با به بحث گذاشتن ترمیم و جبران خسارات می بایست سعی و کوشش به عمل بیاورند.

۲- نقض سلامت جنسی از منظر اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی

در اینجا به این موضوع می پردازیم که نقض حق بر سلامت جنسی، در مهم ترین مرجع کیفری بین المللی حال حاضر (دیوان بین المللی کیفری) چگونه و در قالب چه مصادیقی می تواند باعث مسئولیت کیفری شود.

۱-۲. جنایت علیه بشریت

« یکی از انواع جرایم مهم بین المللی، جنایت علیه بشریت است. جنایت علیه بشریت به قدمت خود بشریت است. هر چند واژه جنایات علیه بشریت به طور جسته و گریخته از قرن ها پیش مورد استفاده قرار گرفته است، ولی در شکل فعلی آن در سال ۱۹۱۵ میلادی به کار رفت. در آن سال، سه قدرت بزرگ یعنی انگلستان، روسیه و فرانسه در اعلامیه مشترکی در ۲۸ می، قتل عام آرامنه توسط دولت عثمانی در ترکیه را جنایت علیه بشریت و تمدن نامیده و مرتکبان آن را مسئول دانستند. پس از جنگ جهانی دوم این جنایت در ماده ۵ اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق، ماده ۳ اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی رواندا و در نهایت در ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، به عنوان جنایات قابل تعقیب مطرح و تعریف شدند.» (حسینی و حاجی وند، ۱۴۰۲: ۲۵)

این نوع جنایت بین المللی در ماده ۷ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری مورد توجه قرار گرفته است. مطابق این ماده، جنایت علیه بشریت، عبارت است از هر یک از اعمال مشروحه ذیل، هنگامی که در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان یافته بر ضد یک جمعیت غیر نظامی و با علم به آن حمله ارتکاب می یابد. ماده ۷ اساسنامه مقرر داشته: « جنایات ضد بشریت منظور از جنایات ضد بشریت در این اساسنامه هر یک از اعمال مشروحه ذیل است، هنگامی که در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان یافته بر ضد یک جمعیت غیر نظامی و با علم به آن حمله ارتکاب می گردد. قتل؛ ریشه کن کردن؛ به بردگی گرفتن؛ اخراج یا انتقال اجباری یک جمعیت؛ حبس کردن یا ایجاد محرومیت شدید از آزادی جسمانی که برخلاف قواعد اساسی حقوق بین الملل انجام می شود؛ شکنجه؛ تجاوز جنسی، برده گیری جنسی، فاحشگی اجباری، حاملگی اجباری، عقیم کردن اجباری، یا هر شکل دیگر خشونت جنسی همسنگ با آنها؛ تعقیب و آزار مداوم هر گروه یا مجموعه مشخصی به علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسی یا علل دیگر، در ارتباط با هر یک از اعمال مذکور در این بند یا هر جنایت مشمول صلاحیت دیوان، که در سراسر جهان به موجب حقوق بین الملل غیرمجاز شناخته شده است؛ ناپدید کردن اجباری اشخاص؛ جنایت آپارتاید؛ اعمال غیر انسانی مشابه دیگری که عمداً به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا به سلامت روحی و جسمی صورت پذیرد.»



در متن ماده ۷ به برخی از مواردی که سلامت جنسی را نقض می‌کند اشاره شده است.

۲-۲. جنایت جنگی

جنایات جنگی نقض رشته‌ای از حقوق محسوب می‌شود که به حقوق بشردوستانه معروف است. بر خلاف سایر جنایاتی که در صلاحیت دیوان قرار می‌گیرد، جنایات جنگی در حقوق بین‌الملل شناخته شده است و رویه‌های بین‌المللی و ملی مشخصی در خصوص آنها وجود دارد. همچنین این جنایات، نخستین جنایاتی بودند که به موجب حقوق بین‌الملل، تحت پیگرد قرار گرفتند. جنایات جنگی که در منشور دادگاه نورنبرگ به طور مختصر و موجز تدوین شده بود، بعدها در قالب مقررات کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو کامل‌تر شد تا اینکه در سال ۱۹۷۷، این کنوانسیون‌ها نیز با دو پروتکل الحاقی تکمیل شد؛ ولی در ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به طور کلی ۵ مورد از جنایات جنگی گفته شده است.

این نوع جنایت بین‌المللی، مطابق ماده ۸ اساسنامه دیوان و با این عبارات، تحت صلاحیت دیوان قرار گرفته است:

«دیوان نسبت به جنایات جنگی صلاحیت دارد به ویژه هنگامی که در قالب یک برنامه یا سیاست عمومی یا در قالب ارتکاب گسترده چنين جرایمی صورت گرفته باشد.»

دیوان نسبت به جنایات جنگی صلاحیت دارد به ویژه هنگامی که در قالب یک برنامه یا سیاست عمومی یا در قالب ارتکاب گسترده چنين جرائمی صورت گرفته باشد. منظور از جنایات جنگی در این اساسنامه موارد ذیل است: نقضهای فاحش کنوانسیون‌های ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو، یعنی هر یک از اعمال مشروحه ذیل بر ضد اشخاص یا دارائیهایی که تحت حمایت مقررات کنوانسیون مربوطه ژنو قرار گرفته اند: کشتار عمدی؛ شکنجه یا رفتار غیر انسانی، از جمله آزمایشهای زیست شناختی؛ فراهم آوردن موجبات رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا سلامتی؛ تخریب و ضبط گسترده اموال که ضرورت‌های نظامی آن را توجیه نمی‌کند و به صورت غیرقانونی و خودسرانه اجرا شده است؛ اجبار اسرای جنگی یا دیگر اشخاص مشمول حمایت [کنوانسیون] به خدمت در صفوف نیروهای دولت دشمن؛ محروم کردن اسرای جنگی یا دیگر اشخاص مشمول حمایت از حق محاکمه عادلانه و قانونی؛ تبعید یا انتقال غیرقانونی یا حبس غیرقانونی؛ گروگان‌گیری؛ دیگر نقضهای فاحش قوانین و عرفهای مسلم حقوق بین‌الملل و حاکم بر منازعات مسلحانه بین‌المللی یعنی هر یک از اعمال مشروحه ذیل: هدایت عمدی حملات بر ضد مردم غیر نظامی در کلیت آن یا بر ضد افراد غیر نظامی که مشارکت مستقیم در مخاصمات ندارند؛ هدایت عمدی حملات بر ضد اهداف غیر نظامی؛ هدایت عمدی حملات بر ضد کارکنان تاسیسات، مواد، واحدها یا وسایل نقلیه ای که در کمک رسانی بشردوستانه یا ماموریت‌های حفظ صلح به موجب منشور ملل متحد به کار گرفته می‌شوند، مادام که آنها از حمایتی برخوردارند که به غیر نظامیان یا اهداف غیر نظامی به موجب حقوق بین‌المللی منازعات مسلحانه داده شده است؛ انجام عمدی حمله ای با علم به این که چنین حمله ای باعث تلفات جانی یا آسیب به غیرنظامیان یا خسارت به اهداف غیر نظامی یا آسیب گسترده، دراز مدت و شدید به محیط زیست خواهد شد و آشکارا نسبت به مجموعه فایده نظامی ملموس و مستقیم مورد انتظار از آن بیش از اندازه است؛ حمله یا بمباران شهرها، روستاها، مناطق مسکونی یا ساختمانهایی که بی دفاع بوده و اهداف نظامی نیستند با هر وسیله ای که باشد؛ کشتن یا زخمی کردن رزمنده ای که سلاح خود را بر زمین گذاشته یا وسیله ای یا برای دفاع ندارد و از روی اختیار تسلیم شده است؛ سوء استفاده از پرچم متارکه جنگ یا پرچم، نشانها و لباسهای متحدالشکل دشمن یا سازمان ملل یا علائم مشخصه کنوانسیونهای ژنو به طوری که منجر به مرگ یا آسیب شدید به اشخاص



شود؛ اقدام دولت اشغالگر، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، برای انتقال بخشهایی از جمعیت غیر نظامی اش به سرزمینی که اشغال می کند، یا تبعید یا انتقال تمام یا بخشهایی از جمعیت سرزمین اشغالی در داخل یا به خارج این سرزمین؛ هدایت عمدی حملات بر ضد ساختمانهایی که برای مقاصد مذهبی، آموزشی، هنری، علمی یا خیریه اختصاص یافته و حمله به آثار تاریخی، بیمارستانها و مکانهای تجمع بیماران و زخمی ها مشروط بر آن که آن مکانها اهداف نظامی نباشند؛ در معرض نقص بدنی یا هر نوع آزمایش پزشکی یا علمی قرار دادن اشخاصی که تحت سلطه طرف دیگر هستند که نه درمان پزشکی، دندانپزشکی یا بیمارستانی شخص مورد نظر آن را توجیه می کند و نه در جهت منفعت وی صورت می گیرد و موجب مرگ یا خطر جدی برای آن شخص یا اشخاص می شود؛ خائنه کشتن یا زخمی کردن افرادی که به دولت یا ارتش دشمن تعلق دارند؛ اعلان این مطلب که به احدی رحم نخواهد شد [احدی در قید حیات نخواهد ماند]؛ تخریب یا ضبط اموال دشمن مگر آنکه ضرورتهای جنگ چنین تخریب یا ضبط اموال را ایجاب نماید؛ اعلان این مطلب که حقوق و دعاوی اتباع طرف دشمن در هر دادگاهی منسوخ، معلق یا غیر قابل قبول است؛ اجبار اتباع طرف دشمن به شرکت در عملیات جنگی برضد کشور خود، هر چند آنها پیش از شروع جنگ در خدمت دولت متخاصم بوده اند. غارت شهر یا محلی، گرچه غلبه بر آن با زور صورت گرفته باشد؛ به کار بردن سم یا سلاحهای سمی؛ استفاده از گازهای خفه کننده، سمی یا سایر گازها و تمام سیالات، مواد یا ابزارهای مشابه؛ استفاده از گلوله هایی که به آسانی در بدن انسان منبسط یا پخش می شود، مانند گلوله هایی که دارای پوسته سختی هستند که تمام هسته را نمی پوشاند یا آن که شکافهایی روی پوسته ایجاد شده است؛ به کار بردن سلاحها، پرتابه ها و مواد و روشهای جنگی که دارای خاصیت آسیب رسانی بیش از حد یا موجب رنج غیرلازم می شوند یا آنکه ذاتاً بدون تمیز و تفکیک [اهداف] و مغایر حقوق بین الملل منازعات مسلحانه هستند؛ مشروط بر آنکه این سلاحها موضوع منع جامع بوده و از طریق اصلاحیه ای مطابق مقررات مربوط در مواد ۱۲۱ و ۱۲۳ در ضمیمه الحاقی به این اساسنامه درج شود؛ تجاوز به کرامت شخص، به ویژه رفتار موهن و تحقیر آمیز؛ ارتکاب تجاوز [جنسی]، برده گیری جنسی، اجبار به فحشای جنسی، حاملگی اجباری آنچنانکه در بند ۲ (و) ماده ۷ تعریف شده است، عقیم کردن اجباری، یا هر شکل دیگر از اشکال خشونت جنسی که موجب نقض فاحش کنوانسیونهای ژنو می شود؛ بهره برداری از حضور اشخاص غیر نظامی یا دیگر اشخاص برخوردار از حمایت به منظور مصون نگاه داشتن نقاط، مناطق یا نیروهای نظامی معین از عملیات نظامی؛ هدایت عمدی حملات بر ضد ساختمانها، مواد، واحدها و وسایل نقلیه پزشکی و افرادی که نشانهای مشخصه کنوانسیونهای ژنو را مطابق حقوق بین الملل به کار می برند.

تحمیل گرسنگی به غیر نظامیان به عنوان روش جنگی، با محروم کردن آنان از مواد غذایی که برای بقایشان ضروری است، از جمله جلوگیری خودسرانه از رسیدن کمکهای امدادی پیش بینی شده در کنوانسیونهای ژنو؛ بسیج اجباری یا داوطلبانه کودکان زیر ۱۵ سال در نیروهای مسلح ملی یا به کار گرفتن آنان برای مشارکت فعال در کارهای جنگی؛ در حالت وقوع نزاع مسلحانه غیربین المللی، نقض فاحش ماده ۳ مشترک در چهار کنوانسیون ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو یعنی هر یک از اعمال ارتكابی زیر بر ضد اشخاصی که هیچگونه شرکت فعالی در کارهای جنگی ندارند، از جمله افراد نیروهای مسلح که سلاحهایشان را زمین گذاشته اند و کسانی که به سبب بیماری، جراحت، حبس یا هر علت دیگری از شرکت در جنگ ناتوان هستند؛ خشونت بر ضد جسم و جان به ویژه قتل از هر نوع، قطع عضو، رفتار بیرحمانه و شکنجه؛ تجاوز به کرامت شخص به ویژه رفتار موهن و تحقیرکننده؛ گروگانگیری؛ صادر کردن احکام و اجرای مجازاتهای اعدام بدون وجود حکم قبلی صادر شده از دادگاهی که به طور قانونی



تشکیل شده باشد و تمام تضمینهای قضائی را که ضرورت آن به طور عام شناخته و پذیرفته شده است، تامین نماید؛ بند ۲ (ج) بر منازعات مسلحانه غیر بین المللی منطبق است و بنابراین شامل حالت‌های آشوبها و تنشهای داخلی همچون شورشها و اعمال خشونت آمیز منفرد یا پراکنده یا اعمال مشابه دیگر نمی شود. دیگر نقضهای فاحش قوانین و عرفهای قابل اجرا در منازعات مسلحانه غیر بین المللی در چارچوب تعیین شده در حقوق بین الملل، یعنی هریک از اعمال زیر: هدایت عمدی حملات بر ضد مردم غیرنظامی در کلیت آن یا بر ضد افراد غیر نظامی که در اعمال جنگی شرکت مستقیم ندارند؛ هدایت عمدی حملات بر ضد ساختمانها، مواد، واحدها و وسایل نقلیه پزشکی، و افرادی که از نشانهای مشخصه مذکور در کنوانسیونهای ژنو مطابق حقوق بین الملل استفاده می کنند؛ هدایت عمدی حملات بر ضد کارکنان، تأسیسات، مواد، واحدها و خودروهایی که در کمک رسانی بشر دوستانه یا ماموریت حفظ صلح به موجب منشور ملل متحد به کار گرفته می شوند، مادام که آنها شایسته برخورداری از حمایتی هستند که به موجب حقوق بین الملل منازعات مسلحانه به غیرنظامیان یا اهداف غیرنظامی داده شده است؛ هدایت عمدی حملات بر ضد ساختمانهایی که برای مقاصد مذهبی، آموزشی، هنری، علمی یا خیریه اختصاص یافته و [نیز بر ضد] آثار تاریخی، بیمارستانها و مکانهای تجمع بیماران و زخمی ها مشروط بر آنکه آن مکانها اهداف نظامی نباشند؛ غارت شهر یا محلی، گرچه غلبه بر آن با زور صورت گرفته باشد؛ ارتکاب تجاوز [جنسی]، برده گیری جنسی، اجبار به فحشای جنسی، حاملگی اجباری آنچنانکه در بند ۲ (و) ماده ۷ تعریف شده است، عقیم کردن اجباری یا هر شکل دیگر از اشکال خشونت جنسی نیز که موجب نقض فاحش کنوانسیونهای ژنو می شود؛

۳- مطالعه موردی پرونده «الحسن»

محاکمه «الحسن آغ عبدالعزیز» به اتهام ارتکاب جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی در شهر تیمبکتو در شمال کشور مالی توسط شعبه پنجم دادرسی دیوان کیفری بین المللی آغاز شد. الحسن از اعضای گروه انصار الدین وابسته به القاعده در آفریقا در سال ۲۰۱۸ تحت تعقیب دیوان قرار گرفت و همان سال بعد از بازداشت به دیوان تحویل داده شد. از مهمترین اتهامات الحسن ارتکاب جرایم جنسی و جرایم مبتنی بر جنسیت از رهگذر تجاوز، ازدواج اجباری و تعقیب و آزار زنان و دختران در شهر تیمبکتو به واسطه تحمیل قوانین و دستورات تحمیلی مغایر با آزادی های ایشان مانند ممنوعیت تحصیل و زینت برگرفتن و مانند آن است. این نخستین بار است که یک جرم مبتنی بر جنسیت در شمار اتهامات متهمین دیوان قرار گرفته است. مهمترین بخش جلسه آغازین دادرسی الحسن اظهارات دادستان دیوان بود. دادستان اعلام داشت که با اشغال تیمبکتو توسط گروه انصار الدین که کمکان در کشور مالی قدرت دارند مردم محلی به شهرهای جنوبی و کشورهای همسایه از جمله موریتانی و بوركینافاسو گریختند هرچند که بعضی به دلایلی مانند نداشتن امکان فرار، یا لزوم مراقبت از افراد سالمند مجبور به ماندن شدند. به گفته خانم دادستان اعضای گروه انصارالدین اعمال محدودیتهای شدیدی را اجرا کردند. محدودیت هایی شامل وضع قوانین جدید و متفاوت با قواعد محلی و از آن جمله تبعیض بین دختران و پسران در مدرسه ها، جبار پوشش خاص که با پوشش محلی متفاوت بود مانند آنکه مردان باید قامت شلوارهای خود را کوتاه می کردند. همچنین برای این قواعد جدید ضمانت اجرای تنبیهی مانند ۱۰۰ ضربه شلاق و قطع عضو و زندان وضع کرده بودند. به گفته خانم دادستان الحسن به عنوان متولی پلیس اسلامی تیمبکتو در این محدودیت ها دخیل بوده است چرا که به گفته یکی از شاهدان: "پلیس اسلامی" اجرای حکم ها رو مدیریت می کرد و حتی یک حکم هم نبود که در تونبکتو بدون الحسن اجرا بشود.



دادستان دیوان در بیانات خود این را نیز افزود که مدارک موجود نشان می دهد وحشتی که الحسین و گروهش به ساکنین وارد کردند در تاریخ معاصر مالی بی سابقه بوده است. رنج هایی که مردم تونبکتو متحمل شدند نمایانگر آنچه در مالی گذشته است و مخاصمه ای که ادامه دارد تا بدبختی و رنج در کشور بیافریند.¹

در روز ۲۳ آوریل ۲۰۲۰، شعبه پیش دادرسی اول دیوان کیفری بین المللی، طی تصمیم محرمانه ایی با بخشی از درخواست دادستان مبنی بر اصلاح اتهامات آقای الحسن موافقت کرد. در این رای، شعبه چنین تصمیم گرفت که مدارکی را به مدارک موجود مثبتی اتهامات تایید شده علیه آقای الحسن بیافزاید، که حاکی از وجود مبنای کلی برای یقین به مسئولیت وی نسبت به جرایم اتهامی هستند.

به همین خاطر اتهامات مربوط به جنایت علیه بشریت به نحوی تغییر کرد که شامل بردگی جنسی، آزار و اذیت و سایر رفتار غیرانسانی از جمله ازدواج اجباری نیز گشت؛ همچنین اتهامات مربوط به جنایات جنگی نیز به موارد زیر گسترش یافت: رفتار بیرحمانه، بردگی جنسی، تجاوز، هتک حرمت نسبت به کرامت انسانی، اجرای مجازات بدون آنکه رایی از سوی دادگاههای تشکیل یافته بر اساس قانون، که وجودشان برای تحقق دسترسی به تضمینات قضایی ضروری است، صادر شده باشد. سایر درخواست های دادستان در این خصوص مورد تایید قرار نگرفت.

۱۹ فوریه ۲۰۲۰، دادگاه تجدید نظر دیوان کیفری بین المللی رای خود را اعلام داشت و به اتفاق آرا تجدیدنظرخواهی آقای الحسن را رد کرد و در پی آن تصمیم شماره یک مورخ ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۹ رسیدگی بدوی را تایید نمود، مبنی بر اینکه پرونده علیه آقای الحسن به قدری کافی، جدی و مهم است که اقدام آینده دیوان را توجیه کند. (پیشین)

مطابق شق (د) از بند یک ماده ۱۷ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، دادگاه باید تعیین کند موضوع از چنان اهمیتی که اقدام دیگری از سوی دیوان را توجیه کند برخوردار نیست. دادگاه تجدیدنظر تاکید کرد که شرط لازم اهمیت با هدف مستثنی کردن موارد غیرعادی است که وقایع ویژه یک پرونده خاص از نظر فنی به عنوان جرائم تحت صلاحیت دادگاه شناخته می شوند اما با این حال اهمیت کافی برای توجیه اقدامات بعدی را ندارد. همچنین خاطر نشان نمود، که پرونده الحسن به هر حال جز پرونده های غیرعادی نبوده است. بنابراین از این منظر شعبه پیش دادرسی در تشخیص کافی بودن اهمیت پرونده علیه آقای الحسن در مفهوم ماده مذکور صحیح عمل کرده است. در رد مبنای دفاعیه در تجدیدنظر، دادگاه تجدیدنظر تشخیص داد که معیارهای کمی به تنهایی، مانند تعداد قربانیان، هر چند مرتبط، تعیین کننده میزان جدیت و اهمیت پرونده مذکور نیستند. دادگاه نشان داد که ارزیابی اهمیت باید بر مبنای هر پرونده به طور مجزا انجام شود. این موضوع شامل ارزیابی جامع از کلیه معیارهای کمی و کیفی مرتبط است، از جمله برای مثال، برخی از عوامل مرتبط با تعیین حکم محکومیت. معیارهای مرتبط ممکن است شامل ماهیت و مقیاس جرایم متهم، نحوه ارتکاب جرائم ادعا شده، نقض حقوق بشر به عنوان نتیجه، تاثیر آن بر قربانیان، نقش و میزان مشارکت متهم باشد و اینکه آیا این اعمال بر اساس انگیزه های تبعیض آمیز انجام شده است یا خیر (zaker, 2022: 36)

دادگاه تجدیدنظر یادآوری می کند که شعبه پیش دادرسی ماهیت و وسعت جرائم متهم را در نظر گرفته است؛ پیامدهای جنایات ادعا شده بر قربانیان مستقیم و کل جمعیت تیمبوکتو، و به طور خاص قربانیان تجاوز جنسی، برده داری جنسی و سایر اعمال غیر انسانی در قالب ازدواج های اجباری؛ انگیزه تبعیض آمیز جنایاتی که گفته می شود علیه مردم تیمبوکتو به دلایل مذهبی و یا جنسیتی انجام شده است، آسیب پذیری قربانیان خاص، ادعا مبنی بر ارتکاب جنایات به عنوان بخشی از حمله گسترده و منظم علیه مردم غیرنظامی، نقش مهمی که دادستان در مشارکت با پلیس اسلامی به آقای الحسن در اجرای این جنایات نسبت می دهد و میزان قصد و درجه مشارکت آقای الحسن در این جنایات. این جنایات ادعایی منجر به نقض چندین حقوق بنیادین بشر شد، از جمله تمامت جسمی و روحی قربانیان و کرامت انسانی آنها، حق دادرسی عادلانه، حق آزادی و امنیت اشخاص، حق

¹ <http://icil.org/details.asp?id=579>



انسانی همه افراد محروم از آزادی برای برخورد انسانی و با احترام به کرامت ذاتی آنها، حق آزادی اندیشه، وجدان و دین و ممنوعیت تبعیض بر مبنای دین یا عقیده.

نتیجه‌گیری

حق بر سلامت یکی از حقوق بنیادین انسانها است که تامین و حفظ آن از اهمیت بسزایی برخوردار است. به همین دلیل حق بر سلامت در اسناد متعدد بین‌المللی و نیز قوانین داخلی مورد تاکید قرار گرفته است. سلامت مفهومی بسیار وسیع است، به گونه ای که سازمان جهانی بهداشت، معنای سلامتی را صرف فقدان بیماری در نظر نمی‌گیرد. یکی از این موارد، بزه‌دیدگی جنسی است که سلامت جنسی فرد را با مخاطره جدی مواجه می‌سازد.

نقض سلامت جنسی به مناسبت می‌تواند در قالب جنایت علیه بشریت یا جنایت جنگی مطرح گردد. پرونده در حال بررسی «الحسن» به عنوان اتهام ارتکاب دو جرم مذکور از سوی دادگاه بین‌المللی کیفری نمود عینی رسیدگی به این جرم شنیع بین المللی است. این نخستین بار است که یک جرم مبتنی بر جنسیت در شمار اتهامات متهمین دیوان قرار گرفته است. از مهمترین اتهامات الحسن ارتکاب جرایم جنسی و جرایم مبتنی بر جنسیت از رهگذر تجاوز، ازدواج اجباری و تعقیب و آزار زنان و دختران در شهر تیمبکتو به واسطه تحمیل قوانین و دستورات تحمیلی مغایر با آزادی های ایشان مانند ممنوعیت تحصیل و زینت برگرفتن و مانند آن است. کارکرد بیانی دیوان نشانگر این موضوع است که در کشورهای اسلامی، عدم مشارکت فعال زنان در جامعه موجبات سوءاستفاده آنها را از لحاظ جنسی فراهم می‌کند. این موضوع و موضوعات دیگر مطرح شده در پرونده الحسن^۱ هشدار جدی به کشورهای اسلامی است که باید با تغییر در قوانین و رویه های جامعه خود تضمین گر سلامت جنسی زنان باشند. عضویت زنان در گروه های تروریستی با داعیه اسلامی و قربانی شدن آنها از لحاظ جنسی می‌تواند از ضعف ساختارهای جوامع اسلامی باشد به گونه ای که زنان به علت عدم فرصتهای برابر با هدف عضو شدن فعال در یک گروه قربانی جنسی خواهند شد.

۱ یکی دیگر از موضوعات مطرح شده در پرونده الحسن، موضوع بسیار مهم تجدیدنظر در اجرای کیفرهای بدنی در جوامع اسلامی از منظر جامعه شناسی کیفری است. از جمله اقدامات ضدبشری وی می‌توان به اجرای کیفرهای بدنی اشاره کرد. این پرسش مطرح است که جنایت‌انگاری اجرای کیفرهای بدنی از منظر اساسنامه دیوان، چگونه تحلیل می‌شود؟ اجرای کیفرهای بدنی توسط الحسن با عناصر زمینه‌ای مادی و معنوی (روانی) جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی انطباق دارد. وانگهی اجرای مجازات‌های جسمانی به دست کشورهای اسلامی جز در صورت وجود عناصر سازنده نمی‌تواند جنایت بین‌المللی تلقی شود. با این حال آن‌ها باید با خوانشی پیام‌محورانه از پرونده مورد بحث و توجه به کارکرد بیانی دیوان، در تکاپوی بازاندیشی در کیفرهای بدنی برآیند. این موضوع مهمی است که نه تنها قواعد اصولی و فقهی گوناگونی همچون «ملازمه» و «نفی سبیل» آن را تأیید می‌کنند، بلکه در پرتو اعتراضات و واکنش‌های سازمان‌های حقوق بشری بین‌المللی، یکسان پنداشته شدن کشورهای اسلامی با گروه های تکفیری در انظار بین‌المللی و نیز رشد پدیده اسلام‌هراسی ضرورت می‌یابد. جهت مطالعه بیشتر در این خصوص رک به: مالدار و همکاران، کیفرهای بدنی از منظر دیوان کیفری بین‌المللی، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۶۹، ۱۴۰۲



منابع

۱. آقاجانی افجدی، اعظم، دیگران، (۱۳۹۴) رضایت زناشویی، رضایت جنسی، افسردگی و اضطراب، نشریه روانشناسی معاصر، شماره ۱۰، ویژه نامه
۲. باقری حامد، یوسف، (۱۳۹۸) آموزش حقوق بشر و حق بر سلامت و بهداشت عمومی، فصلنامه مطالعات بین المللی، شماره ۶۱، ۶۳ - ۸۲.
۳. صابر، محمود، دیگران (۱۳۹۲)، بررسی تطبیقی جرم‌انگاری حاملگی اجباری در دادگاه یوگسلاوی، رواندا و دیوان کیفری بین-المللی؛ حمایت از جنسیت یا دیگر ارزشهای موضوع حقوق بین الملل، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره چهارم شماره ۲، صفحه ۹۷ تا ۱۲۱
۴. عباسی، محمود، دیگران، (۱۳۹۳) مفهوم و جایگاه حق بر سلامت در نظام حقوقی ایران، نشریه حقوق پزشکی، شماره ۱۸۳، ۳۰-۱۹۹.
۵. عبدنژاد، رقیه، دیگران (۱۴۰۰)، مروری بر راه‌های درمانی واژینیسیموس، مجله زنان مامایی و نازایی ایران، دوره بیست و چهارم، شماره ۷، ویژه نامه مهر، صفحه ۸۳ تا ۹۷
۶. فخر، حسین و صادقی، سالار (۱۴۰۰)، مسئولیت کیفری بین‌المللی برای کشتار مسلمانان در میانمار، مجله دیدگاه های حقوقی قضائی، شماره ۹۳، ۷۱-۴۷.
۷. مالدار، محمد حسن و جوان جعفری، عبدالرضا و ساداتی، سیدمحمد جواد (۱۴۰۲)، کیفی‌های بدنی از منظر دیوان کیفری بین المللی، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۶۹.
۸. نوربالا، احمدعلی (۱۳۹۰)، سلامت روانی-اجتماعی و راهکار های بهبود آن، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال هفدهم، شماره ۲، تابستان، صفحه ۱۵۱ تا ۱۵۶
۹. یزدی فیض آبادی، وحید، دیگران، تعریف سلامت از دیدگاه سازمان بهداشت جهانی: مرور کوتاهی بر نقد ها و ضرورت یک تغییر پارادایم، مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران، زمستان ۱۳۹۶، شماره ۵ ویژه نامه (مبانی، رویکرد ها و عملکرد نظام سلامت ایران)، صفحه ۱۵۵ تا ۱۶۵

10. Fidler, David P, (1999), *International Law and Infectious Diseases*, Oxford, Oxford University Press
11. Hellsen K. The right to health, *The Essentials of Human Rights*, in: *The Essentials of Human Rights*, Rhona K. M. Smith and Christein Van den Anker (eds), 2005.
12. Lazzarini, Z, (1997), *Human Rights and Public Health in the AIDS Pandemic*, Oxford, Oxford University Press.
13. Paul Hunt, Report of the Special Rapporteur on the Highest Attainable Standard of Health, Human Rights Council, Res.7/11, 31 January 2008, para.68.
14. WHO, Human Rights and Health, 20 December 2017: <http://www.who.int/news-room/factsheets/detail/human-rights-and-health>



The Position of the Right to Sexual Health in International Criminal Law (With a Perspective on Al-Hassan's Case in ICC)

Seyyed Hossein Hosseini

Associate Professor, Faculty of Law & Political Science, Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad, Iran
shosseini@um.ac.ir

Amin Hajivand

PhD student, Department of Criminal Law & Criminology, Ferdowsi University, Mashhad,
Iran (Corresponding Author)
Am.hajivand@um.ac.ir

Amin Alizadeh

M.A Student in Department of Criminal Law & Criminology, Science & Research Unit,
Islamic Azad University, Tehran, Iran
amin.alizadeh@srbiau.ac.ir

Abstract

Background & Purpose: One of the most important aspects of health is sexual health, and this issue has received serious attention in various psychological researches. Endangering sexual health can be analyzed as an international crime.

Research method: This research has explored sexual health in terms of the statute of the International Criminal Court with a descriptive-analytical method.

Findings: Violation of sexual health can be considered as a crime against humanity or a war crime.

Result: The case under investigation of "Al-Hassan" as an accusation of committing the two mentioned crimes by the International Criminal Court is an objective manifestation of the investigation of this heinous international crime. This is the first time that a gender-based crime has been included among the accusations of the accused in the court. The expressive function of the court shows that in Islamic countries, the lack of active participation of women in the society causes them to be sexually abused. This issue and other issues raised in the Al-Hassan case are a serious warning to Islamic countries that they should guarantee the sexual health of women by changing the laws and procedures of their society. The present research will deal with the detailed investigation of sexual health in terms of international criminal law with an emphasis on the Al-Hassan case.

Keywords: Sexual Health, International Criminal Law, International Criminal Court, International Crimes, "Al Hassan" Case